

# قرآن و پرسش و پاسخ هدایمند

أجعلنا من دون الرحمن آلهة يعبدون»<sup>(۱)</sup>  
و گاهی به همه مؤمنان فرمان می‌دهد که  
از اهل ذکر و آگاهان سؤال کنند و  
می‌فرماید: «فاسألوا أهل الذکر إن کنتم لا  
تعلمون»<sup>(۲)</sup>

آیه اخیر هر چند متوجه اهل کتاب  
است ولی می‌دانیم که مورد، مخصص  
نیست، هدف این است که انسان ناآگاه،  
از افراد آگاه بهره بگیرد.  
قرآن مجید خبر از پرسش مشرکان

حس کنجاوی، یکی از ابعاد روحی  
انسان را تشکیل می‌دهد، توگویی این حس  
مانند دو حس دیگر (حسن اخلاقی و حس  
زیبایی) بخشی از فطرت انسان است که او  
را به سمت تکامل و کسب آگاهی سوق  
می‌دهد. هرگاه آفرینش بشر با این حسن،  
آمیخته نبود، در همان مراحل ابتدایی،  
باقی مانده و تمدن بشری را پدید نمی‌آورد.  
قرآن مجید گاهی پیامبر گرامی را  
مأمور می‌کند که در مسائل مربوط به  
توحید، از پیامبران پیشین بپرسد، چنان  
که می‌فرماید: «فاسئل من قبلك من رسلنا

۱. زخرف/۴۵.

۲. نحل/۴۳.

و مؤمنان از پیامبر می‌دهد و می‌فرماید: ﴿يسألونك...﴾ آن گاه پاسخ سؤال از طریق وحی، در اختیار پیامبر قرار می‌گیرد و او پاسخ لازم را می‌دهد، این نوع سخن گفتن در قرآن، حاکی از آن است که قرآن، پرورش دهنده حس کنجکاوی است و هرگز برنامه پرخاشگری نسبت به کنجکاوان و حقیقت طلبان ندارد.

نصاری نجران، وارد مدینه شدند و در گفتگو با پیامبر بر اینکه «عیسی پسر خداست»، اصرار می‌ورزیدند و تنها دستاویز آنان، این بود که او بدون پدر به دنیا آمده است، طبعاً باید دارای پدری باشد و آن نمی‌تواند جز خدا کسی دیگر به حساب آید. در حالی که پیامبرگرامی از طریق وحی، روشن‌ترین پاسخ را در اختیار آنان قرار داده و فرمود: ﴿إِنَّ مَثَل عِيسَىٰ عِنْدَ اللَّهِ كَمَثَلِ آدَمَ خَلَقَهُ مِنْ تُرَابٍ ثُمَّ قَالَ لَهُ كُنْ فَيَكُونُ﴾ (۱)

توضیح این که اگر تولد بدون پدر نشانه فرزندی باشد، آدم در این مطلب اولویت دارد، چون به فرمان الهی با امر «کن»، بدون پدر و مادر پدید آمده است. بنابراین، اسلام، از پرسش و پاسخ و به

اصطلاح گفتمان سازنده استقبال می‌کند و زندگی پیامبر ﷺ بر این مطلب گواه است.

هیچگاه دیده نشده که فردی از پیشوایان معصوم، یک سؤال معقولی کند و آنان در دادن پاسخ طفره روند و یا طرف را به باد توییح بگیرند.

### شرایط پرسش

ولی نکته مهم این است که سؤال و جواب باید دارای شرایطی باشند تا برای شنونده و کسانی که در کنار او هستند، سودمند و سازنده گردند. در درجه نخست، باید سؤال برای فهمیدن و کسب آگاهی باشد، نه برای تحقیر طرف که نتواند از آن پاسخ گوید و به تعبیر دیگر پرسشگر هدف مقدسی را تعقیب کند تا از این راه، خود و دیگران را به کمالی برساند، و لذا امام علی علیه السلام می‌فرماید:

«اسأل تفهماً لا تعنتاً»

«پرسش تو باید از سر آگاهی طلبی باشد نه در دسر آفرینی».

شرط دیگر این است که سؤال باید معنی دار و دارای فایده باشد که به درد

ناوارد، نه تنها سودی ندارد، بلکه بر گمراهی و تردید و سرگردانی پرسشگران می‌افزاید.

متأسفانه امروز به خاطر فراوانی مدعیان پاسخگویی، این شرط در پاسخگویی به معارف اسلامی و احکام شرعی، بسیار کم‌رنگ است. و هر فردی با خواندن چند برگ از کتابهای دینی، بر مسند پاسخگویی نشسته و بر گمراهی‌ها می‌افزاید.

شگفتا متخصص «چشم» در مسائل پیچیده «قلب» اظهار نظر نمی‌کند، ولی در معارف و مسائل دینی این شرط رعایت نمی‌شود، از این جهت باید از طرف حوزه‌های علمیه مراکز پاسخ به سؤالات، توسعه پیدا کرده و جدی گرفته شوند، و از اظهار نظر دین فروشان و رمالان و خرافه پرستان جلوگیری به عمل آید.

آنچه این شرط را الزامی می‌کند این است که روز به روز دامنه شبهات گسترده‌تر می‌شود و شبهات جدید و یا شبهات دیرینه با لباس تازه‌تری به میدان می‌آیند و چه بسا گروه‌هایی برای تولید شبهه کمر بسته و با تزریق شبهات بر جامعه می‌خواهند به آرمانهای باطل خود

زندگی انسان در دنیا و آخرت، بخورد. پرسش از مسائلی که از افق فکر و مسائل مورد نیاز به دور است، باید ترک شود.

امیرمؤمنان علیه السلام بالای منبر فرمود: «سلونی قبل أن تفقدونی»، «از من بپرسید پیش از آن که مرا از دست بدهید».

شایسته این مقام آن بود که عاقلان و فرهیختگان عراق، از حقایق عالم آفرینش و درجات جهان دیگر پرسش کنند و پرده‌های ابهام را بالا بزنند، ولی متأسفانه انسانی برخاست و گفت: عدد تارهای موی سر من چند است؟

حضرت فرمود: اگر بخواهم بگویم می‌توانم ولی تو از کجا می‌پذیری. از این رو، امام به جای آن از یک امر غیبی خبر داد که سال ۶۱ هجری در کربلا محقق گشت.

### شرایط پاسخ

اگر سؤال دارای شرایطی است، پاسخ هم باید نسبت به مورد سؤال، شرایط لازم را داشته باشد و پاسخگو نیز باید اطلاعات جامع و کافی داشته باشد و به اصطلاح، متخصص آن سؤال و امثال آن باشد. پاسخگویی انسان‌های کم اطلاع و

برسند.

در برابر این مراکز و سازمانها، باید مراکز پاسخگویی از طرف شخصیت‌های علمی، مجهز شوند و فقط افراد متخصص، متصدی پاسخگویی باشند، نه هر فردی که ورقی چند خوانده و اصطلاحی چند آموخته است.

اکنون، در خارج از کشور، رسانه‌های متعددی برای تولید شبهه و ایجاد لغزش و تردید در فکر و ایمان جوانان ما پدید آمده و شب و روز کارشان شبهه‌پراکنی است و موج این شبهات به کشور رسیده و خواه ناخواه، جوانان، از آن آگاه می‌شوند.

### بِهال دالنن کجا می‌روید؟

امام کاظم علیه السلام می‌فرماید:

«إِنَّ الزَّرْعَ يَنْبُتُ فِي السَّهْلِ وَلَا يَنْبُتُ فِي الصِّفَا فَكَذَلِكَ الْحِكْمَةُ تَعْمُرُ فِي قَلْبِ الْمُتَوَاضِعِ وَلَا تَعْمُرُ فِي قَلْبِ الْمُتَكَبِّرِ الْجَبَّارِ».

(تحف العقول، صفحه ۲۹۶).

«زراعت در زمین‌های نرم می‌روید نه سنگهای سخت! همچنین علم و حکمت تنها در قلب متواضعان جوانه می‌زند، نه در قلب متکبران جبار!».